

سطرهای

سید

۲

تقدیم به همه ی ناپین بان دنیا

گروه نویسندگان
سرپرست: افشین نیکپور

سرشناسه	: نیکپور، افشین، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: سطرهای سپید ۲/ گروه نویسندگان: سرپرست [صحیح: گردآورنده] افشین نیکپور.
مشخصات نشر	: تهران: طراحان ایماژ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۵۶ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵؛ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵۸-۳۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian fiction -- 20th century -- Collections :
رده ی کتبی	: ۱۳۹۵ عس ۹۴/۹۹ PIR۴۲۴۹
رده بند دیویی	: ۸۶۳/۶۲۰۸
شماره کتاب‌ناسی	: ۴۵۳۲۱۹۸

انتشارات طراحان ایماژ

سطرهای سپید ۲

سرپرست نویسندگان: افشین نیکپور

ویراستار: محمد ابهری با نظارت پریسا انصاری

امور هنری قبل از چاپ: موسسه فرهنگی و هنری طراحان ایماژ

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

استفاده محدود از مطالب کتاب به شرط ذکر منبع، مجاز است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵۸-۳۱-۰

978-600-6158-31-0

مرکز پخش و توزیع:

آدرس نشر: تهران خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین نبش کوچه ماستری فراهانی

پلاک ۳۷ طبقه دوم واحد ۶

واحد یک تلفن: ۸۰ و ۶۶۹۶۹۶۹۶ - ۰۹۱۲۳۰۹۹۲۰۳ - فاکس: ۶۶۹۶۹۶۵۰

www.emaj.ir

پیشگفتار

عزیزترین آدم زندگی ات را تصور کن...

چهره اش بی آید جلوی چشمت، مگر نه؟ اگر ندیده باشی اش چه؟

چشم هایت ببند، باز کنی، ولی سیاهی باقی بماند. اگر یک زمانی

دنیا را دیده باشی، آخرین سوژه ها در مغزت ثابت شده و در سیاهی ات غوطه

می خورند؛ و به تدریج یادت می رود... اگر ندیده باشی چه؟ اگر هیچ

وقت دنیا را با چشم هایت درک نکرده باشی، چه؟ تو نمی توانی تصور کنی.

ولی من عطرها را یادم می ماند، صداها را یادم می ماند... من حس

دست های دیگران را یادم می ماند. من ببخندم یا نه، لرزش صداها را

می شنوم. من آرامش ظاهر را نمی بینم، دست های بخند را حس می کنم. من

خننده ها را می شنوم، لرزش شانها را حس می کنم، فضا را که آن بخش دست

یک نفر روی شانها را لمس می کنم.

می گویند گاهی باید چشم ها را بست برای دیدن؛ می گویم همیشه نباید

دید برای فهمیدن. شاید اصلاً دیدن فعل جایگزین درک کردن است که

نابجا استفاده اش می کنیم. کافیهست جور دیگر ببینی، با چشم های شسته شده.

آن وقت شاید زندگی به گوش زیباتر باشد...

دروغ می گویم. زندگی به گوش زیباتر نیست! صدای گریه‌ی کودکی را بشنوی و ندانی کسی برایش می‌شتابد یا نه؛ همه‌ی اطرافت را پر کرده باشد و تو انگار گم شده باشی وسط صداها، لبخندها را نبینی آسان نیست.

ولی همیشه چیزی از دست می‌دهی و چیزی به دست می‌آوری. من حس خالص لذت زیر باران را به دست می‌آورم که تو برای داشتنش چشم‌هایت را می‌بندی. من قدرت به ظاهر نگاه نکردن را به دست می‌آورم که تو هرچه کنی در بندش گرفتاری. من خورشید را نمی‌بینم اما گرمایش را حس می‌کنم، ابر را نمی‌بینم اما سوبتش را لمس می‌کنم. من چشم‌ها را نمی‌بینم اما حضور را حس می‌کنم.

پس به نام لحظه‌هایی که چشم نیازی ندارند، گاهی به دقیقه چشم‌هایت را ببند و زندگی را نبین، لمسش کن

مانا خسروشاهی

فهرست

- ۹ تقدیرنامه
- ۱۰ ۱- سلامی عاشقانه
- ۱۱ ۲- خدا می شنوی؟ هدیه رویانتاش / ۳۰ ساله
- ۱۳ ۳- قلم سمیرا سلیمانی / ۲۷ ساله
- ۱۴ ۴- معنای عشق سمیرا سلیمانی / ۲۷ ساله
- ۱۶ ۵- خا ایا محمدعلی خادمیان / ۶۸ ساله
- ۱۸ ۶- کلاغ زهره محمدی / ۳۶ ساله
- ۱۹ ۷- قضات زهره محمدی / ۳۶ ساله
- ۲۰ ۸- درخت ۵۹ / ۳۶ ساله
- ۲۱ ۹- مرسدس بنز مصطفی / ۳۳ ساله
- ۲۳ ۱۰- یک گل مصطفی اسکری / ۳۳ ساله
- ۲۵ ۱۱- عشق هدیه رویانتاش / ۳۰ ساله
- ۲۶ ۱۲- عشق میان درخت کهن و درخت پیچ هدیه رویانتاش / ۳۰ ساله
- ۲۸ ۱۳- درخت زهره سادات میرشفیعان / ۳۸ ساله
- ۲۹ ۱۴- خدا کیست زهره سادات میرشفیعان / ۳۸ ساله
- ۳۰ ۱۵- درد دلی با پروردگار زهره مسعودی / ۳۳ ساله
- ۳۱ ۱۶- دنیا گرد است زهره مسعودی / ۳۳ ساله
- ۳۳ ۱۷- لیلی و مجنون مسعود صمدی / ۴۴ ساله
- ۳۵ ۱۸- مناظره درخت مسعود صمدی / ۴۴ ساله
- ۳۷ ۱۹- عشق از دیدگاه من نجمه السادات ساداتی / ۳۸ ساله
- ۴۰ ۲۰- درخت نجمه السادات ساداتی / ۳۸ ساله
- ۴۱ ۲۱- گریه درخت محمدعلی خادمیان / ۶۸ ساله

- ۲۲- علاقه غیرمنتظره کورش اکبری / ۲۵ ساله ۴۳
- ۲۳- شکاک زهرا طیبی / ۳۸ ساله ۴۵
- ۲۴- قرآن زهرا طیبی / ۳۸ ساله ۴۷
- ۲۵- انتهای یک عمر عاشقی مصطفی اسکندری / ۳۳ ساله ۴۹
- ۲۶- ده تولد زهره محمدی / ۳۶ ساله ۵۱
- ۲۷- خرس آوازه خوان مریم عبدالمی / ۱۵ ساله ۵۳
- ۲۸- دیداری از جنس کوفت مریم عبدالمی / ۱۵ ساله ۵۵
- ۲۹- پدر دریا و سمیرا حسینی / ۲۷ ساله ۵۶